

تاملی بر جرم نسل کشی در پرتو اقدامات اسرائیل در غزه

چکیده

نسل کشی، جرمی بین المللی است. همگان بر ضرورت مقابله قانونی با این جرم اعتراف می کنند و هر کشوری نیز قانونی برای ممنوعیت و مجازات این جرم دارد. موضوع این تحقیق بررسی اقدامات اسرائیل در غزه است. نسل کشی در حقوق کیفری بین المللی، جرم انگاری شده است. مساله تحقیق آن است که آیا اسرائیل می تواند به بهانه دفاع مشروع در پی طوفان الاقصی، دست به جنایت نسل کشی بزند. در بررسی به عمل آمده درباره حکم نسل کشی مشخص شد که نسل کشی اقدامی غیر انسانی است که هم عقل و هم شرع آن را محکوم می کند. جرم نسل کشی، جرمی بین المللی است و اقدامات رژیم غاصب اسرائیل در غزه با هیچ مبنايي از مبانی حقوق بین الملل کیفری سازگاری نداشته و لازم است دادستان ICC با اقدامات تامینی و صدور قرارهای لازم جلو این قتلهای فجیع انسانی را بگیرد.

واژگان کلیدی: نسل کشی، حقوق بین الملل کیفری، غزه، اسرائیل

چکیده تفصیلی

حق دفاع از خویش، در برابر تهاجم دیگران از حقوق ذاتی اشخاص و دولتها شناخته شده است، این حق در اسناد بین المللی، منابع نظام حقوق اسلام و سایر نظامهای حقوقی بر رسمیت شناخته شده است، اشخاص و دولتها نمیتوانند به بهانه دفاع از خویش دست به کشتار دسته جمعی و نسل کشی بزنند زیرا در هم گنه کار و هم بی گناهان صدمه دیده و کشته خواهند شد. از این رو هم عقل و هم دین نسل کشی را ممنوع می کنند. مساله تحقیق، بررسی مبانی اصول و قواعد دینی و نیز اسناد بین المللی در زمینه نسل کشی است. پیشینه تحقیق نشان می دهد که منابعی از نظر حقوقی نسل کشی را بررسی کرده اند اما در این تحقیق مطالعه ای تطبیقی در زمینه موضوع تحقیق از منظر حقوقی و فقهی صورت گرفته است. دستاورد تحقیق این است که ممنوعیت نسل کشی بصورت اجماعی هم در متون فقهی و هم در اسناد بین المللی وجود دارد و فرضیه رقیب مبنی بر استناد به قاعده دفاع مشروع بعنوان بهانه برای ارتکاب نسل کشی فاقد وجهات قانونی و شرعی است. اسلام از بین بردن دشمن را با هر روش و شیوه ای جایز نمی داند. حتی اگر دشمن از روش های ناجوان مردانه و غیر انسانی استفاده کند، ما نمیتوانیم از باب «مقابله به مثل»، از همان روش استفاده کنیم. از این قاعده، اصولی قابل استنباط اند که عبارتند از: اصل

تناسب در تسلیحات جنگی؛ اصل تفکیک میان دشمن جنگجو و غیر جنگجو؛ منع کشاندن جنگ به منطقه غیر جنگی؛ اصل حفاظت از محیط زیست .

فقها عبا استناد به ادله عام مانند ممنوعیت القای سم در آب ، پرهیز از مثله کردن ، خودداری از افساد حرث و نسل و عدم تعرض به نیروهای غیر جنگجو... حرمت نسل کشی را بیان کرده اند . هر چند کسانی با توجه به آیه «وَأَعِظُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» موافق هرگونه حمله در مقابل متجاوزین اند و یا با تمسک به قاعده مقابله هرگونه اقدامی را توجیه می کنند اما ما به این نتیجه رسیدیم که رعایت تقوای کامل در جنگ و نکشتن غیرنظامیان منافات دارد. سران رژیم اشغالگر قدس هیچ بندی از مقررات زمان اشغال را طبق کنوانسیونهای چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل های الحاقی ۱۹۶۷ رعایت نکرده کشتن زنان ، کودکان و غیرنظامیان و انجام نسل کشی موجبات مسئولیت کیفری خود را فراهم ساخته اند و از این جهت لازم است تا در دادگاه صالح و یادادگاه کیفری بین المللی محاکمه و مجازات شوند .

مقدمه

طبق بند ۱ ماده ۵ اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی ، جرایم نسل کشی (The crime of Genocide) جرایم علیه بشریت (Crimes Against Humanity) جرایم جنگی (war Crimes) و جرایم تجاوز (The Crime of Aggression) تحت صلاحیت دادگاه قرار دارند . در گذشته رژیم اشغالگر و کودک کش اسرائیل ، بارها مرتکب جنایات جنگی شده است ، اما icc به دلیل اینکه فلسطین اکنون به عنوان کشور مستقل محسوب نمی شود ، از رسیدگی به پرونده جنایات اسرائیل خودداری کرده است . این وضعیت وجود داشت تا اینکه فلسطین در سال ۲۰۱۵ به عضویت دادگاه کیفری بین المللی در آمد . بعد از آن قضات icc و دادستان اعلام کردند که دادگاه صلاحیت رسیدگی به جنایات جنگی اسرائیل را دارد .

اکنون بعد از گذشت ۸ سال دوباره این رژیم کودک کش در پیش چشم جهانیان اقدام به جنایات جنگی در غزه می کند . جلوفلسطینیان را برای رسیدن آب و غذا و دارو به آنها می گیرد و خانه های مسکونیشان را هدف حمله قرار می دهد . بیمارستانها را منهدم می کند ، زنان و کودکان را با استفاده از بمبهای ۲ تنی ممنوعه فسفری به خاک و خون می کشد و بیش از ۴۰۰۰ تن مواد منفجره بر روی خانه های مسکونی غزه می ریزد .

بعد از یک ماه ارتکاب انواع جنایات جنگی از آنجا که با تقبیح افکار عمومی روبرو شده است ، بصورت دیر هنگام اعلام می کند که فلسطینیان از شمال غزه به جنوب بروند و خانه های خود را تخلیه کنند و مجددا برخلاف وعده هایش بیش از هفتاد غیر نظامی را در مسیر حرکت به جنوب به شهادت می رساند .

طبق کنوانسیونهای چهار گانه ژنو همه این موارد ممنوع است و از مصادیق بارز جنایات جنگی است و انتظار می رود که دادگاه کیفری بین المللی که در گذشته نسبت به رسیدگی به جنایات اسرائیل اعلام صلاحیت کرده است، فرماندهان اسرائیل را بعنوان مباشر و مرتکبین جنایت از آمریکا رابعنوان معاون جرم جنایات جنگی و شخص نتانیاهو و وزیر جنگ اسرائیل و نیز جوبایدن و وزیر دفاع آمریکا و تمامی خلبانان و افسران اسرائیلی و آمریکایی که در این جنایات دست داشته اند را به دست عدالت بسپارد.

بیان مسأله

جرائم بین المللی به جرایمی اطلاق می شود که از سوی همه کشورها و اعضای جامعه بین المللی به عنوان جرم شناخته شده و صلح و امنیت بین المللی را به مخاطره می اندازند.

یکی از مصادیق این جرائم بین المللی، جرم نسل کشی می باشد. نسل کشی به معنای نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی می باشد.

در فقه امامیه مبانی، اصول و قواعد مختلفی در باب حدود، قصاص، دیات و جرائم تعزیری وجود دارد؛ از این کلیات و اطلاقات می توان در جرائم بین المللی از جمله جرم نسل کشی استفاده نمود.

جرم بین المللی نسل کشی جرمی جدید است که در ماده 6 اساس نامه دادگاه کیفری بین المللی به صورت زیر تعریف شده است:

طبق ماده 6 اساس نامه دادگاه کیفری بین المللی نسل کشی یکی از جرائم بین المللی است که عناصر مادی، معنوی و قانونی مخصوص به خود دارد.

هر جرمی که به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی ارتکاب می یابد، شامل:

- (1) قتل اعضای یک گروه.
 - (2) ایراد صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی یا روحی اعضای گروه.
 - (3) قرار دادن عمدی یک گروه در معرض وضعیات زندگی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی کلی و یا جزئی آن بشود.
 - (4) اقداماتی که به منظور جلوگیری از توالد و تناسل (حق حیات) یک گروه صورت گیرد.
 - (5) انتقال اجباری کودکان یک گروه به گروه دیگر.
- با توجه به مراتب بالا مسأله تحقیق اینست که:

میان مبانی فقهی حدود و قصاص و دیات از یک طرف و نسل کشی در حقوق بین الملل از جنبه ماده مذکور در بالا چه تناسبی وجود دارد؟

سؤال اصلی تحقیق

شباهت ها و تفاوت های مبانی و احکام نسل کشی در حقوق کیفری بین الملل و مبانی فقهی چیست؟

ضرورت انجام تحقیق

هر چند در فقه اصطلاح جرم نسل کشی عنوان نشده است؛ اما مصادیق این جرم از دیر زمان مورد توجه بوده و براساس مبانی جرم انگاری شده و مورد بحث بوده است.

با توجه به توسعه این جرم در شرایط امروز جهانی، بویژه رژیم کودک کش اسرائیل در غزه ضروری به نظر می رسد تا مواضع حقوق کیفری بین المللی تبیین گردد

فرضیه

در فقه امامیه و حقوق موضوعه شباهت هایی از قبیل ممنوعیت و حرمت قتل در فقه و حقوق جزای بین الملل و تفاوت هایی مانند مستحدثه بودن اقداماتی به منظور جلوگیری از توالد و تناسل و یا انتقال اجباری کودکان در حقوق جزای بین الملل در خصوص جرم نسل کشی وجود دارد.

مفهوم جرم نسل کشی

جرم در اصل یک واژه عربی است؛ اما در زبان فارسی نیز کثرت استعمال پیدا کرده است. جرم را در لغت عربی به معنای ذنب و گناه گرفته اند. ابن منظور می گوید: "الجرم الذنب"¹ و آقای طریحی نیز می گوید: "الجرم بضم الجیم الذنب"² پس جرم در لغت عرب یک معنای عام دارد، که شامل مطلق گناه می گردد از این دیدگاه باید چند کلمه را با هم در نظر گرفته و معانی آنها را بررسی کنیم، زیرا به نظر بدوی این لغات دارای معانی مشابهی هستند؛ لغت جرم و اثم به معنای اعمال ممنوعه هستند گرچه ممکن است اختلافاتی در برخی مصادیق داشته باشند لذا به سراغ معنای لغوی اثم می رویم. المنجد در تعریف لغت اثم چنین می گوید: «اثم: اثم و ... به معنای انجام دادن عملی است که حلال نمی باشد و جمع آن آثام است»³ (محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، جلد 12، ص 91 وفخرالدین طریحی، مجمع البحرین، جلد 6، ص 28 والمنجد دار المشرق، ص 3، بیروت) کشتار جمعی و نسل زدایی دو ترجمه دیگری از واژه جنوساید است. به نظر می رسد کشتار جمعی ترجمه مناسب نباشد، چرا که مفهوم جمعی در واژه جنوساید وجود ندارد. علیرغم این دلیل برخی نویسندگان اصطلاح کشتار جمعی را در واژه جنوساید به کار برده اند.⁴ برخی از نویسندگان اصطلاح نسل زدایی را بهترین ترجمه برای واژه جنوساید دانسته اند؛ و چنین استدلال می کنند که اصطلاح Genocide مرکب از دو واژه Genus به معنی نسل و Caedere به معنی زدودن و ریشه کن کردن می باشد.⁵ براساس آنچه در بیان مفهوم جنوساید گذشت، از نظر معنای لغوی، مناسب ترین معنا برای این واژه نسل کشی است. چرا که بخش دوم این واژه (Cide) به معنای کشتن است نه زدودن. اما اگر مفهوم اصطلاحی جنوساید را در حقوق کیفری در نظر بگیریم، سخن آقای علامه درست است. در مفهوم اصطلاحی آن که در حقوق کیفری بین المللی تعریف شده است، بعضی اعمالی که از مصادیق آن شمرده شده است مستقیماً کشتن نیست، اما به کشتن و نابودی منتهی خواهد شد. و گاهی مثل انتقال اجباری کودکان از یک گروه به گروه دیگر اصلاً مسأله کشتن مطرح نیست، اما به نحوی منجر به حذف شدن یک گروه می گردد. پس از نظر مفهوم اصطلاحی آن در حقوق کیفری نسل زدایی مناسب تر است. بنابراین این نسل زدایی و نسل کشی دو ترجمه مناسب برای جنوساید است. اولی با مفهوم اصطلاحی آن و دومی با مفهوم لغوی آن همخوانی دارد. آقای اردبیلی واژه زیست زدایی را ترجمه مناسب برای جنوساید دانسته است.⁶ به نظر می رسد که زیست زدایی معنای بسیار عام تری باشد. و زیست تنها به حیات بشری خلاصه نمی گردد؛ در حالی که منظور از این واژه در بحث حقوق کیفری حیات انسانی است.

نسل کشی در لغت و اصطلاح

نسل کشی یا کشتار جمعی ترجمه ای از واژه ژنوسید (genocide) است که از دو کلمه (genos) به معنی نژاد و نسل و (cide) به معنی کشتن ترکیب یافته است. این واژه اولین بار از سوی یک حقوقدان لهستانی به نام "رافائل لمکین" مورد استفاده قرار گرفته است. از نظر وی کشتار جمعی یا نسل کشی یعنی نابودی یک

ملت یا یک قوم و منظور از کشتار جمعی ضرورتاً نابودی فوری یک ملت نیست؛ بلکه مراد طرحی است مشتمل بر یک سلسله اعمال متفاوت که بنیادهای اساسی حیات گروه های ملی را به ویرانی می کشد تا در نهایت به انهدام این گروه ها بیانجامد.¹ نسل کشی، جرمی قدیمی و مفهومی جدید است. البته از یک رهگذر توضیح نسل کشی به کسانی که از آن متأثر نشده اند سخت به نظر می رسد. همگان با ضرورت مقابله قانونی با جرم قتل انسانها آشنایند و هر کشوری نیز قانونی برای ممنوعیت و مجازات این جرم دارد. ولی کشتار جمعی یک گروه از انسانها به دست گروهی دیگر در حوزه مسئولیت حقوقی متفاوتی جای می گیرد. قبل از پیدایش سلاحهای کشتار جمعی هیچ انسانی به تنهایی نمی توانست یک میلیون انسان دیگر را به قتل برساند و به افراد زیادی نیاز داشت که وی را در این کشتار هولناک یاری نمایند. بنابراین، این عمل، رفتار عده بسیاری بر علیه دیگران بود. در اصل نسل کشی رفتار گروهی خاص بر ضد گروهی دیگر است. در دهه های اخیر، نسل کشی به نام اکثریت بر علیه اقلیت صورت گرفته است.² (1 - اردبیلی، محمد علی، حقوق بین الملل کیفری، ص 59 وحیدر علامه، غلام، جنایات علیه بشریت، چاپ اول، ص 63. و محمد علی اردبیلی، مجله حقوقی، شماره 11، سال 1368، ص 37 و فاطمه عیدی، مقاله بررسی نسل کشی در عرصه بین الملل، (فصلنامه علمی- حقوقی قانون یار، دوره اول، بهار 1396 ص 191).

تعریف یکسانی که در اسناد بین المللی از نسل کشی دیده میشود بدین شرح است منظور از نسل کشی هر یک از اعمال مشروحه ذیل است که به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی از حیث همین عناوین ارتکاب می یابد: - قتل اعضاء گروه، صدمه شدید به تمامیت جسمانی با روانی اعضاء، قرار دادن عمدی گروه در معرض شرایط حیاتی که به زوال مادی، کلی یا جزئی آن منتهی می شود. - اقداماتی که به منظور جلوگیری از تولید نسل گروه صورت گیرد- انتقال اجباری کودکان یک گروه به گروه دیگر.

ادله فقهی حرمت نسل کشی

قرآن در مورد کشتن یک نفر از روی ظلم و ستم می فرماید:

"من قتل نفسا بغير نفس أو فساد فی الأرض فکأنما قتل النّاس جميعا و من أحيایها فکأنما أحيأ النّاس جميعا".³ هر کس یک انسان را بکشد بدون اینکه او کسی را کشته باشد و یا فسادى در زمین کرده باشد مثل اینست که همه مردم را کشته باشد، و هر کس یک انسان را از مرگ نجات دهد مثل اینست که همه مردم را از مرگ نجات داده باشد. "ولا تقتلوا النفس التى حرّم الله إلاّ بالحق و من قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطانا ولا یسرف فی القتل اّنه کان منصورا".⁴ و خونی را که خدا محترم شمرده مریزید، مگر آنکه کشتن او حق باشد و کسی که بی گناهی را بکشد ما برای ولی او سلطنت و قدرت قانونی قرار داده ایم (که می تواند قاتل را بکشد) پس نباید کسی در خونریزی از حد تجاوز کند که کشته بی گناه به وسیله قانون یاری شده. قرآن نسل کشی را فساد دانسته و ایجاد فساد را منع کرده است: "و إذا تولّی سعی فی الارض لیفسد فیها و یهلك الحرث و النسل و الله لا یحب الفساد".⁵ هنگامی که روی بر میگردانند (و از حضور تو خارج می شوند)، در راه فساد در زمین کوشش می کنند، و زراعت ها و چهار پایان را نابود می سازند و خداوند فساد را دوست ندارد "و قاتلوا فی سبیل الله الذّین یقاتلونکم و لا تعتدوا إنّ الله لا یحبّ المعتدین".⁶ کسانی را که شما را می کشند، در راه خدا بکشید، اما تجاوز نکنید که خداوند تجاوز کاران را دوست ندارد. نسل کشی کشتن به ناحق انسانها است و در قرآن از کشتن انسانهایی که خدا کشتن آنها را حرام کرده است و یا نفس آنها را محترم قرار داده است منع می کند و می فرماید: "ولا تقتلوا النّفس الّتی حرّم الله إلاّ بالحق".⁷ و نفسی را که خداوند (کشتنش را) حرام گردانیده جز به حق

مکشید در قرآن کریم بارها و در چندین آیه از کشتن فرزندان نهی شده است شاید در نگاه اول پندار همگان چنین باشد که این آیات خطاب به انسانهای دوران جاهلیت است؛ اما با کمی تأمل می شود مصادیق این آیات را در عصر حاضر نیز مشاهده کرد.

آیه اول

"قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ حَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ."¹

به راستی کسانی که فرزندان خویش را از کم خردی و بی دانشی کشتند زیانبار شدند و آنچه را خدا روزیشان کرده با افترا زدن به خدا حرام شمردند، به درستی که گمراه شدند و هدایت یافتگان نبودند.

آیه دوم

"وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا."²

و فرزندانان را از ترس فقر به قتل نرسانید، ما آنها و شما را روزی می دهیم، مسلماً قتل آنها گناه بزرگی است. (1 - مائده/ 32 و اسرا/ 33 و بقره/ 205 و بقره/ 190 و اسراف/ 33 و انعام/ 140 و اسرا/ 31)

روایات

در اسلام تجاوز منع شده است؛ لذا جنگ در اسلام وجود ندارد و آنچه که شبیه جنگ است در اسلام به نام جهاد در راه خدا است. جهاد فقط به صورت ظاهر مانند جنگ است که در آن از نیروی نظامی استفاده می شود. اما از نظر محتوا و هدف، جهاد یک جنگ مقنس است که برای پیاده کردن عدالت، نجات مظلوم و دفع تجاوز انجام می گیرد. اصل عدم تجاوز که از کلمه قرآنی (ولا تعتدوا) سرچشمه گرفته است حداقل موارد ذیل را پوشش می دهد:

1- آغاز جنگ: یعنی آغاز گر جنگ تجاوز کار است؛ لذا حضرت علی (ع) می فرماید: "لا تقاتلوهم حتی یبدوكم - شما جنگ نکنید تا آنها جنگ را علیه شما آغاز کنند."³

2- دشنام دادن به دشمن و اسرا: حضرت علی (ع) می فرمایند: "أَنْتِ أَكْرَهَ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّابِينَ - من کراهت دارم که شما دشنام دهید."⁴

3- استفاده از تسلیحات شیمیایی و سمی: استفاده از این تسلیحات خارج از ضرورت است، که رنج و درد بیش از حد لازم ایجاد می کند و تفکیک در آن نیست. حضرت علی (ع) می فرمایند: "پیامبر (ص) از پاشیدن سم در شهر های مشرکین نهی کرد."⁵

4- مثله کردن افراد دشمن: حضرت علی (ع) فرمودند: "إِيَّاكُمْ وَالْمِثْلَةَ وَ لَوْ بِالْكَلْبِ الْعَقُورِ - از مثله کردن دوری کنید حتی در مورد سگی وحشی و حمله کننده."⁶

5- کشتن افرادی غیر نظامی: پیامبر(ص) هنگام اعزام لشکر سفارش می فرمودند: "لا تقتلوا شیخا فانیا و لا صبیا و لا امرأه - پیر مردان، اطفال و زنان را نکشید."¹

6- کشتن افراد به جنگ پشت کرده: حضرت علی (ع) به لشکرش سفارش می کرد: "فلا تقتلوا مدبرا - آنهایی را که به جنگ پشت کرده اند نکشید."²

7- کشتن زخمی شدگان: حضرت علی (ع) فرمود: "لا تجهزوا علی جریح - زخمیان را نکشید."³

8- جنایت بر محیط زیست: پیامبر اعظم فرمودند: "لا تحرقوا النخل و لا تغرقوه بالماء و لا تقطعوا الشجره المثمره و لا تحرقوا ذرعا - درخت خرما را نسوزانید، و با آب غرقشان نکنید، درختان میوه دار را قطع نکنید و مزرعه ها را آتش نزنید."⁴

9- کشتن دشمن با فریب و عهد شکنی: امام باقر (ع) فرمود: "اگر مسلمانی یک فرد دشمن را امان دهد سپس او را بکشد در روز قیامت با لباس فریبکاران محشور می گردد."⁵ (سید کاظم محمدی و محمد دشتی، المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه، نامه 14، ص 148 و محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج 5، ص 28 و کاظم محمدی و محمد دشتی، همان، نامه 47، ص 170 نهج البلاغه، ج 3، ص 170. و علامه حلی، منتهی المطالب، ج 2، ص 912 و محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج 5، ص 38. و محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج 5، ص 231) بر اساس این مجموعه دستورات اسلامی می توانیم جنایات جنگی را چنین تعریف نماییم: "جنایت جنگی عبارت است از هر فعل و ترک فعل که از روی عمد، برخلاف فتوای اسلامی و رحمت الهی جان، دین، عقل، مال، نسب و آبروی اشخاص غیر نظامی و نظامیان دست از جنگ کشیده، زنان، کودکان، پیر مردان، پشت به جنگ کرده گان و مجروحان را در زمان جنگ به مخاطره اندازد."

10- روایت ابو حمزه ثمالی از رسول اکرم (ص)

در این روایت آمده است که رسول اکرم (ص) وقتی سپاه اسلام را به جنگ می فرستاد آنها را در حضور خود می نشانید و می فرمود: "با نام خدا و با توکل به خدا و در راه خدا جهاد کنید، سخت گیری یا زیاده روی نکنید، مثله نکنید، حيله نکنید، پیر مردان، کودکان و زنان را نکشید. درختان را قطع نکنید..."⁶

11- روایت حلبی و محمد بن مسلم از امام صادق (ع)

عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن بن فضال، عن أبي جَمِيلَه، عن الحلبي، عن أبي عبدالله (ع)، في قول الله عزوجل: از امام صادق (ع) در تفسیر قول خداوند: اگر کناره کنید از کبائر - آنچه از آن نهی شدیدی- بد کرداری های شما را جبران کنیم و شما را ارجمندانه - در منزل ارجمندی- وارد کنیم؛ فرمودند: کبائر آنهايند که خداوند برای آنها دوزخ را لازم کرده است.⁷

علی بن ابراهیم، عن محمد بن عيسى، عن يونس، عن عبدالله بن مُسكان، عن محمد بن مسلم، عن أبي عبدالله(ع): محمد بن مسلم گوید از امام صادق(ع) شنیدم می فرمود: کبائر هفتند: 1- قتل مؤمن به عمد 2- متهم کردن زن عقیفه به زنا 3- گریختن از جبهه جهاد 4- تعزب پس از هجرت 5- خوردن مال یتیم به ناحق 6- خوردن ربا بعد از علم به حرمت آن 7- هر خلافی که خدا آتش را بر آن واجب و مقرر کرده است.⁸

چنانکه از جمع بین این دو روایت مشخص است قتل مؤمن به عمد از جمله گناهان کبیره است که خداوند دوزخ را برای مرتکب آن واجب و مقرر کرده است.

12- روایات درمورد ریختن خون به ناحق

در روایت جابر بن یزید از امام باقر(ع) و آنحضرت از پیامبر بزرگوار(ص) نقل می کند که پیامبر(ص) فرمودند: نخستین چیزی را که خداوند در روز قیامت رسیدگی می کند، خون است. پسران آدم (هابیل و قابیل) را سر پا می دارد تا در میان آنان حکم می کند سپس دیگران را از اصحاب خون (شکات و متهمان قتل را) رسیدگی کرده به طوری که کسی باقی نمی ماند، به این صورت که هر مقتولی در حالی که خون به صورتش جاری است، قاتل خود را برای محاکمه پیش خدا می کشد و خدا از آن قاتل می پرسد این را تو کشتی؟ و کسی قادر نیست چیزی را پنهان بدارد.¹ (محمد ابن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 15، ص 517 و محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، 5، ص 134 و شیخ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج 1، ص 11) از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمودند: کسی که خون (ناحق) ریخته و همچنین شرابخوار و سخن چین داخل بهشت نخواهند شد. باز فرمودند: مؤمن از گناهانش راحت است تا زمانی که خون حرام نریخته است و فرمود کسی که مسلمانی را عمداً کشته است موفق به توبه نمی شود.

در روایت دیگر از امام صادق (ع) نقل شده است که راوی می گوید خدمت امام عرض کردم چگونه قرآن می فرماید اگر یکی را کشته مانند این است که همه را کشته است؟ امام فرمود: قاتل را در جهنم در جایی قرار می دهند که از شدت عذاب به اندازه ای است که اگر همه را می کشت به آنجا می رفت.²

13- عزل نوعی نسل کشی خفی

حکم عزل³: روی القاسم بن یحیی عن جده الحسن بن راشد عن یعقوب الجعفی قال: از امام کاظم(ع) شنیدم که می فرمود در شش صورت عزل اشکالی ندارد: 1- زنی که یقین داری حامله نمی شود 2- زنی که یائسه گشته 3- زن دریده 4- زن بد زبان و فحاش 5- زنی که فرزندش را خودش شیر نمی دهد 6- کنیز.

فقها در جایز و حرام بودن عزل اختلاف دارند، و بعضی آنان ان را مکروه دارند، البته با زنان آزاد که عقد دائم باشد. و در پاره ای از روایات زن حامل و شیرده را بر آن شش که ذکر شد اضافه نموده اند.⁴

شیخ در خلاف گفته عزل در حره حرام است مگر با رضایت وی، در مبسوط هم شیخ همین قول را تقویت کرده است. از ابن عباس نقل کرده اند که رسول خدا (ص) عزل از حره را نهی کرده مگر با رضایت خود او، و نیز از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمودند: عزل یک نوع نسل کشی خفی است. عده ای مثل شیخ طوسی گفته اند: بدون اذن زوجه عزل حرام است و مشهور گفته اند مکروه است. اما دلیل بر اینکه عزل جایز ولی مکروه است، مقتضای جمع بین اخبار است.⁵

در این روایت نه تنها نسل کشی به طور مستقیم را منع نموده است که به طور غیر مستقیم نیز آن را منع نموده، و اعمالی را که غیر مستقیم منتهی به نسل کشی می گردد، نیز ممنوع شده است.

14- روایت مسعده ابن صدقه

مسعده از اباعبدالله (ع) نقل می کند که فرمود: پیامبر (ص) وقتی امیری را در رأس سپاهی به سرپه¹ می فرستاد او را در خصوص نفش به تقوا دستور می داد، سپس در مورد اصحابش سفارش می کرد، بعد می فرمودند: جنگ را با اسم خدا و در راه خدا شروع کن، کفار را بکشید اما فریبکاری و زیاده روی نکنید، مثله نکنید و کودکان و عابدان را نکشید. درختان خرما و میوه دار دیگر را، نسوزانید و در آب غرق نکنید و مزارع را آتش نزنید.²

15- روایت سکونی از رسول اکرم (ص)

سکونی از ابا عبدالله (ع) نقل می کند که فرمود: پیامبر (ص) از پاشیدن سم در سرزمین مشرکین منع (نهی) نموده است.³

نهی در ادبیات فقه اسلامی دلالت بر حرمت می کند: "نهی حقیقت در حرمت است. و حمل آن بر کراهت، بر وجود معارض متوقف است"⁴ فقیهی دیگر چنین می نویسد: "قول حق آن است که صیغه نهی حقیقت در حرمت و مجاز در غیر آن است."⁵

16- کسی که به ناحق دیگری را بکشد

و باسناده قال حدّثنی أبی علی بن أبی طالب (ع) قال: ورثت عن رسول الله کتابین، کتاب الله عزّوجلّ و کتاباً فی قراب سیفی، قیل یا امیرالمؤمنین: و مالکتاب الذی فی قراب سیفک؟ قال من قتل غیر قاتله أو ضرب غیر ضاربہ فعليه لعنة الله.⁶ - شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج 5، ص 93 و مجله فقه اهل بیت (ع)، (فارسی)، ج 33، ص 31 و محمد ابن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 15، ص 59 و محمد ابن حسن حر عاملی، همان، ص 62 و محمد بن علی عاملی، نهاية المرام، ج 1، ص 22 و جمال الدین عاملی، معالم الدین، ج 1، ص 99 و صحیفة الرضا ص 71 (رواه الشیخ الصدوق فی عیون اخبار الرضا 2: 40 الحدیث 122))

منع استفاده از تسلیحات شیمیایی و سمی

شیخ طوسی در این زمینه می نویسد: جنگ با کفار با همه انواع جنگها، جایز است، مگر انداختن سم در شهرهای آنها و این کار مکروه است به دلیل اینکه منجر به کشته شدن کسانی می گردد که کشتن آنها جایز نیست.⁷

منع کشتار افرادی خاص در کلام فقهاء

کشتن کودکان، زنان، پیر مردان و دیوانگان دشمن در کلام فقها منع شده است. در ذیل نظرات فقها آورده شده است: کشتن کودکان، دیوانگان، زنان هر چند در جنگ کمک کنند جایز نیست؛ مگر اینکه ضرورت ایجاب کند.⁸

فقیه دیگری می نویسد: کشتن کودکان، دیوانگان و زنان هر چند کمک (به جنگ آوران) کنند جایز نیست؛ مگر ضرورت اقتضا کند. و کشتن پیر مردان نیز جایز نیست مگر اینکه به جنگ آوران در جنگ یا در رأی کمک کنند.⁹

صاحب ریاض می نویسد: کشتن زنان دشمن، هر چند (به جنگجویان) کمک کنند، جایز نیست و همین گونه است، کشتن دیوانگان، کودکان و پیر مردان بدون هیچ مخالفی.¹

از بیان صاحب ریاض نوعی اجماع فهمیده می شود. پس در اسلام حتی در زمان جنگ که شایع ترین شکل تحقق جرم نسل کشی است، نیز لشکریان اسلام از ارتکاب جرم نسل کشی منع شده اند.

قواعد فقهی

قاعده حرمت اعتدا

در ممنوعیت به کار گیری سلاح های نامتعارف می توان به قاعده حرمت اعتدا استناد کرد، بدون تردید استفاده از جنگ افزارهای نامتعارف یکی از مصادیق آشکار اعتدا است. آیات و روایات متعددی بر حرمت اعتدا دلالت دارند که در این مجال فرصت پرداختن به همه آنها نیست. از این رو تنها به بیان یک آیه بسنده می کنیم، در آیه شریفه 190 سوره مبارکه بقره آمده است: "قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم و لا تعتدوا إن الله لا یحب المعتدین"، در راه خدا با کسانی که با شما می جنگند مقاتله کنید و از حد تجاوز نکنید، خداوند تعدی گران را دوست ندارد.

از این آیه می توان دو اصل تناسب در تسلیحات جنگی و تفکیک میان افراد نظامی و غیر نظامی مانند کودکان، پیران، بیماران، مجروحان، نیروهای خدماتی، حیوانات و محیط زیست را استنباط کرد و توسل به این تسلیحات را از مصادیق تعدی و تجاوز حرام دانست. برداشت مفسران اسلامی از این آیه نیز بر حرمت استفاده از جنگ افزار های نامتعارف دلالتی آشکار دارد.² - محمد ابن حسن طوسی، الاقتصاد الهادی، ص 313 و محمد ابن مکی (شهید اول)، اللمعة الدمشقیة، ص 82 وزین الدین (شهید ثانی)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة، ج 2، ص 393 و علی طباطبایی، ریاض المسائل، ج 2 ص 8 و خالقی، ابوالفتح، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دانشگاه قم، دانشکده حقوق، سال دوم، شماره چهارم، زمستان 1394، ص 38).

قاعده اتلاف و تسبیب در نفوس

اتلاف به معنی هلاک کردن و نابود نمودن و از بین بردن مال و یا جان انسان است و بر دو قسم است: اتلاف به مباشرت و اتلاف به تسبیب.³

یکی از قواعد مهم فقهی که در حقوق اسلامی، مدنی و جزایی کاربرد دارد، قاعده اتلاف و تسبیب است. پس همانطور که اتلاف و تسبیب در باب ضمانات از قواعد مهم فقهی است، اتلاف در نفوس نیز یکی از قواعد مهم فقهی است با این تفاوت که اتلاف در باب اموال مسئولیت مدنی در پی دارد و در باب نفوس، مسئولیت کیفری.⁴

قاعده وزر (اصل شخصی بودن مجازات)

مفهوم این قاعده این است که هیچ کس بار گناه و جرم دیگری را بر دوش نمی گیرد. فقیهان این قاعده را در ابواب ذیربط اعم از مسئولیت کیفری یا ضمان قهری به کار برده اند.

در گذشته های تاریخ حقوق تا قبل از انقلاب کبیر فرانسه و تصویب قانون جزای این کشور در سال 1791 مجازات ها ضرورتاً جنبه شخصی نداشت و گذشته از مجرم خویشان نزدیک او را مورد مجازات قرار می

دادند و این روش هم در مسئولیت کیفری وجود داشت و هم در مسئولیت مدنی ولی در نظام حقوقی اسلامی و همچنین در نظام های کیفری جهان امروز اصل شخصی بودن مجازات ها رعایت می شود.

مدرک قاعده مزبور آیات قرآن، روایات، اجماع و عقل است:

الف. آیات قرآن: در آیه 164 سوره انعام آمده است: «ولا تكسب كل نفس الا عليها و لا تزر وازره وزر أخرى». هر کس کاری کند مسئولیت آن تنها بر دوش خود اوست و کسی بار گناه دیگری را بر دوش نمی گیرد. و متن قاعده وزر یعنی: «و لا تزر وازره وزر أخرى» در چند آیه دیگر یعنی آیات 15 سوره اسراء، 35 سوره نجم نیز تکرار شده است؛ آیات دیگری نیز در این مفهوم وجود دارد.

ب. روایات: حضرت علی (ع) پس از ضربت خوردن به دست ابن ملجم ملعون در وصایایی که به نزدیکان خود کرد چنین گفت: «ألا لا يقتلن بی الا قاتلی». به خاطر قتل من جز قاتل من نباید کشته شود¹. این فرموده در مورد این قاعده تصریح دارد.

ج. اجماع: اگر چه ظاهر آیات قرآن مربوط به مؤاخذه آخرت است ولی فقیهان به آیات مزبور در ابواب مختلف فقه استناد کرده و بر آن اجماع دارند.

د. عقل: گناه کسی را پای دیگری نوشتن از نظر عقلی زشت و قبیح است؛ لذا قاعده وزر جزو مستقلات عقلیه به حساب می آید.² (قبله ای خویی، خلیل، قواعد فقه 14 (بخش جزا)، ص 178. و مکتوب شماره 47 از مکتوبات حضرت علی (ع)، نهج البلاغه فیض الاسلام، ص 977. و بهرامی احمدی، حمید، قواعد فقه، ج 1، صص 341 و 342).

قاعده نفی سبیل

معنی این قاعده این است که خداوند به سلطه کافر بر مسلمان راضی نیست و هر اقدامی که منتهی به سلطه کافر بر مسلمان شود آن عمل نادرست و از نظر حقوقی باطل است. این قاعده هم در امور سیاسی و در سطح کلی و هم در امور معاملی و شخصی مصداق دارد و به همین دلیل ازدواج زن مسلمان را با مرد کافر نادرست می دانند و اجیر شدن مسلمان برای کافر را اگر مستلزم سلطه کافر بر مسلمان شود نیز غیر مجاز می شمارند.

ملاک و معیار اعمال این قاعده برای این است که شرایطی فراهم نشود که برای مسلمانان ذلت پیش آید لذا به استناد این قاعده نفی می شود.³

قاعده مقابله به مثل

این قاعده با دادن حق مقابله به مثل به متجاوز علیه، رعبی در دل متجاوز ایجاد می کند و او را وامی دارد تا بیشتر در اطراف کار خود بیندیشد و به آسانی دست خود را به تجاوز نیالاید؛ زیرا با توجه به این قاعده، عمل او در سطح بیت المللی محکوم و حق مقابله به مثل به ملت مورد تجاوز داده می شود و با یک بحران عمومی در سطح جهان مواجه خواهد شد.

قاعده مقابله به مثل، با برداشتن حرمت از طرف متجاوز و تهدید امنیت او، انگیزه تجاوز را در ملت هایی که استعداد تجاوز دارند، نابود یا ضعیف می کند. این ملت ها اگر احساس کنند که تجاوز به دیگران مشکل عمده ای برایشان به وجود نمی آورد آسان تر دست به تجاوز می زنند؛ ولی با وجود این قاعده، هر چند که

ضعف اخلاقی هم داشته باشند، ترس که یک عامل نیرومند روانی و بازدارنده است در حد قابل توجهی از تجاوز پیشگیری خواهد کرد.

نقش تهدید کنندگی قاعده مقابله به مثل که جنبه پیشگیری دارد، وسیع ترین و عمیق ترین نقش آن خواهد بود و نقش آن، چنان وسیع است که امنیت و حیات مادی و معنوی هر دو طرف، تحت تأثیر این تهدید حفظ می شود؛ زیرا ترس در بین جوامع انسانی یک عامل فطری نیرومند است. البته برای جلوگیری از هر تجاوز، ترسی مناسب با آن می تواند کارساز و مفید باشد.¹

آیه « فمن اعتدى عليك فاعتدوا عليه بمثل ما اعتدى عليك »² نص صریح قرآن در مورد این قاعده است و با صراحت و قاطعیت، قاعده مقابله به مثل را مطرح ساخته است. قابل توجه است که این آیه با استفاده از واژه اعتدا بر قاعده مقابله به مثل انگشت می گذارد. یعنی مقابله به مثل در کاری که ابتدا کردن به آن شرعاً حرام است؛ ولی مقابله به مثل را در همان کار حرام و ارتکاب همان کار به صورت عکس العملی در مقابل آن کس که تجاوز کرده و مرتکب آن کار شده است، جایز می شمارد.³ (اسکندری، محمد حسین، قاعده مقابله به مثل در حقوق بین الملل از دید اسلام، ص 52. و بقره 194. واسکندری، محمد حسین، همان، ص 77)

دلایل حقوقی حرمت نسل کشی

اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها

ضرب المثل معروفی است که « هیچ جرمی بدون قانون ممکن نیست»، جرم با عمل ضد اخلاق تفاوت دارد، ممکن است جامعه و یا روح مذهبی و اخلاقی اعمالی را زشت بشمارد، لیکن قانون برای آن مجازات تعیین نکرده باشد، بنابراین اعمال مذکور جرم نخواهد بود. این امر ضامن آزادی و امنیت مردم است، چرا که در غیر این صورت قاضی با قیاس و تفسیر موسع خود می تواند هر عملی را که به نظرش ناخوشایند آید، جرم محسوب نموده و قابل مجازات بداند.

قانونگذار باید جرم را به طور کامل تعریف کند و یا لااقل مصادیق آن را به طور دقیق تعیین نماید و در صورت وجود کیفیات مشدده آن را به قاضی گوشزد کند.

این امر یکی از پیشنهادات اولیه بکاریا بوده است. وی در کتاب معروف خود به نام رساله جرایم و مجازات ها متذکر شده که تنها مقنن است که به نمایندگی از طرف جامعه می تواند اعمال مجرمانه را تعریف نماید. این حق نمی تواند به هیچ کس حتی قضات و اگذار شود.⁴ این اصل در ماده 2 قانون مجازات اسلامی 1370 چنین است: « هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می شود.»

ناگفته نماند که منظور از قانون، مصوبات قوه مقننه به تنهایی نیست، بلکه ممکن است قوه مقننه بنا به مصالحی اختیار تعیین پاره ای از جرایم را به کمیسیون های داخلی مجلس یا حتی قوه مجریه و اگذار نماید.

در این قبیل موارد مقامات مآذون از طرف مقنن در محدوده و اگذار شده می توانند به تعیین جرم بپردازند. تعیین این جرایم از طرف قوه مجریه یا کمیسیون داخلی مجلس مابینتی با اصل قانونی بودن مجازات ندارد، زیرا منشأ و مبنای این اختیار، تصمیم قوه مقننه است.

در اجرای اصل قانونی بودن جرایم و مجازات تعریف از طرف مقنن کفایت نمی کند، بلکه قانونگذار باید مجازات عمل را نیز تعیین نماید. تعیین مجازات برای اعمال مجرمانه از وظایف انحصاری قانونگذار است. هر گاه مقنن برای عملی مجازات تعیین نموده است، این حق برای قاضی و یا قوه مجریه ثابت نشده که بتوانند تعیین مجازات نمایند، همچنین قاضی دادگاه حق ندارد برای فرد یا افراد دیگر در همین جامعه که

خود در آن قرار دارد قانونگذاری نماید و برای ایشان مجازات پیش بینی کند. اگر قاضی مجازات تعیین نماید یا از میزان مجازات مقرر در قانون تخطی کند، از وظیفه خود پا فراتر گذاشته است.¹

مجازات جرم نسل کشی در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی

برخلاف کنوانسیون نسل کشی در اساسنامه دیوان بین المللی کیفری برای جرایم بین المللی مجازاتهایی نیز تعیین شده است. بند یک ماده 77 اساسنامه برای مجرمینی که یکی از جرایم مهم بین المللی را که در ماده 5 اساسنامه ذکر شده است، یعنی نسل کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوز مرتکب شده باشد چنین می نویسد: « با رعایت ماده 110 این اساسنامه، دیوان می تواند یکی از مجازاتهای زیر را برای شخصی که به دلیل ارتکاب یکی از جرایم مذکور در ماده 5 محکومیت یافته، تعیین نماید: 1- حبس به مدت معینی که بیش از سی سال نباشد؛ یا 2- حبس ابد، به شرط آنکه اهمیت جرم ارتكابی و همچنین اوضاع و احوال شخص محکوم علیه آن را ایجاب نماید.»² (محسنی، دکتر مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی کلیات حقوق جزا، ج 1، ص 317. و خاموشی، سید مهدی، بررسی فقهی و حقوقی اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها، ص 343. و ناصر زاده، بابک، دیوان کیفری بین المللی، ص 116)

نتیجه گیری

ادعای دفاع مشروع از سوی اسرائیل در مقابل حملات حماس پذیرفته نیست. اصل دفاع، اجازه جنایات جنگی و نسل کشی را نمی دهد. اصولاً اقدامات حماس، واکنش طبیعی جنایات دهها ساله اسرائیل و اشغال سرزمین مادری فلسطینیان است و اقدامات اسرائیل و آمریکا با هیچ اصل وقاعده و مبنایی از حقوق بین الملل و حقوق مخاصمات مسلحانه بین المللی ساز گاری ندارد. در صورتی که ICC به مسئولیت ذاتی خویش عمل نکند، از آنجا که جنایات جنگی و نسل کشی مصداق بارز جرم بین المللی است، کلیه کشورها صلاحیت رسیدگی به این جنایات را دارند و هرکجا عوامل جنایت کار جنگی صهیونیسم را دستگیر کنند، صلاحیت رسیدگی به جرایم آنان را دارا می باشند

فهرست منابع فارسی

*قرآن کریم

**نهج البلاغه

- 1- ابراهیمی، علیرضا، حقوق جزای بین الملل، قم: آیین احمد، چاپ دوم، ۱۴۰۲.
- 2- اردبیلی، محمد علی، حقوق بین الملل کیفری، تهران: میزان، چاپ چهارم، 1386.
- 3- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، ج 1، تهران: میزان، چاپ سی و سوم، 1393.
- 4- اسکندری، محمد حسین، قاعده مقابله به مثل در حقوق بین الملل از دید اسلام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، 1379.

- 5- بهرامی احمدی، حمید، قواعد فقه، ج1، دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول، 1388.
- 6- حسینی نژاد، حسین علی، حقوق کیفری بین المللی، تهران: میزان، چاپ سوم، 1383
- 7- حیدر علامه، غلام، جنایات علیه بشریت، تهران: نشر میزان، چاپ اول، بی تا .
- 8- خاموشی، سید مهدی، بررسی فقهی و حقوقی اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها، تهران: سپهر، چاپ اول، 1385.
- 9- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا .
- 10- شریعت باقری، محمد جواد، حقوق کیفری بین المللی، تهران: جنگل، چاپ دهم، 1388.
- 11- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، مترجم محمد جواد غفاری، نشر صدوق، 1377.
- 12- علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، ج1، تهران: فردوس، چاپ سوم، 1373.
- 13- فیوضی، رضا، حقوق بین المللی کیفری، تهران: انتشارات دانشگاه، چاپ اول، 1386.
- 14- قبله ای خوبی، خلیل، قواعد فقه 1 (بخش جزا)، تهران: سمت، چاپ چهارم، زمستان 1388.
- 15- کریانگ ساک کیتی شبایزری، حقوق بین المللی کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران: سمت، چاپ اول، زمستان 1383.
- 16- گرجی، ابوالقاسم، مقالات حقوقی، ج1، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، 1385.
- 17- گلدوزیان، حسین، حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ چهارم، 1396.
- 18- گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، تهران: نشر میزان، چاپ سیزدهم، 1385.
- 19- محاسب، مهین دخت، کشتار جمعی، تهران: گنج دانش، چاپ اول، 1386.
- 20- محسنی، دکتر مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی (کلیات حقوق جزا)، ج1، تهران: گنج دانش، چاپ پنجم، 1396.
- 21- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج 2، 4، 21، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، 1374.
- 22- موسوی همدانی، سید محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، ج2، قم: اسلامی، چاپ پنجم، 1374.
- 23- میر محمد صادقی، حسین، حقوق جزای بین الملل، تهران: میزان، چاپ سوم، 1390.
- 24- ناصر زاده، بابک، دیوان کیفری بین المللی، تهران: بهنامی، چاپ اول، 1388.
- 25- واحدی، قدرت اله، حقوق بین الملل کیفری، تهران: جنگل، چاپ اول، 1389.

فهرست منابع عربی

- 1- ابن منظور، محمد ابن مکرم، لسان العرب، جلد 12، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، 1414ق.
- 2- ابن منظور، محمد ابن مکرم، لسان العرب، جلد 11، لبنان: دار صادر، چاپ سوم، 1414ق.
- 3- حر عاملی، محمد ابن حسن، وسائل الشیعه، ج 15، 28، قم: مؤسسه آل البیت، چاپ اول، 1409ق.
- 4- حلی، محمد ابن منصور ابن ادریس، السرائر، ج3، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، 1410ق.
- 5- شهید اول، محمد ابن مکی، اللمعه الدمشقیه، بیروت، دارالتراث، چاپ اول، 1410ق.

- 6- شهید ثانی، زین الدین، **الروضه البهیة**، ج9، قم: داورى، چاپ اول، 1410ق.
- 7- طباطبایی، سید علی، **ریاض المسائل**، ج13، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، 1422.
- 8- طباطبایی، سید علی، **ریاض المسائل**، ج8 و 16، قم: مؤسسه آل البيت، چاپ اول، 1418.
- 9- طباطبایی، محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ج13، 7، 5، قم: اسلامی، چاپ پنجم، 1417.
- 10- طبرسی، فضل ابن حسن، **مجمع البیان**، ج2، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، 1372.
- 11- طریحی، فخر الدین، **مجمع البحرین**، ج6، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، 1416.
- 12- طوسی، محمد ابن حسن، **الاقتصاد الهادی**، قم: خیام، چاپ دوم، 1400.
- 13- عاملی، محمد ابن علی، **نهایة المرام**، ج1، قم: نشر اسلامی جامعه مدرسین، 1413ق.
- 14- عاملی، جمال الدین، **معالم الدین**، ج1، قم: مؤسسه الفقه للطباعة و النشر، چاپ اول، 1418ق.
- 15- علامه حلی، حسن ابن یوسف، **منتهی المطالب**، ج2، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، چاپ اول، 1412.
- 16- فخر رازی، **مفاتیح الغیب**، ج20، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، 1420ق.
- 17- کلینی، محمد ابن یعقوب، **الکافی**، ج5 و 7، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، 1407ق.
- 18- محمدی، سید کاظم و محمد دشتی، **المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه**، قم: نشر امام علی(ع)، چاپ دوم، 1369ش.
- 19- مکارم شیرازی، ناصر، **الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل**، ج4، قم: انتشارات مدرسه امام امیرالمؤمنین، چاپ اول، 1421.
- 20- نجفی، محمد حسن، **جواهر الکلام**، ج41، 42، 21، تهران: دارالکتاب، چاپ هفتم، 1363ش.

فهرست مجلات و مقالات

- 1- فصلنامه حکومت اسلامی (دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری)، سال22، شماره4، زمستان 1396. «احمد احسانی فر، تحلیل فقهی فتوای رهبری مبنی بر حرمت استفاده از سلاح هسته ای در پرتو نظریه تابعیت»
- 2- فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دانشگاه قم، دانشکده حقوق، سال دوم، شماره چهارم، زمستان 1394. «ابوالفتح خالقی و نعمت الله نبوی، به کارگیری سلاح های نامتعارف از منظر حقوق بین الملل کیفری و اسلام»
- 3- فصلنامه پژوهش حقوق، سال سیزدهم، شماره33، تابستان 1390. «دکتر حمید رضا جاوید زاده، سیاست های پیشگیرانه سازمان ملل متحد در قبال نسل کشی»
- 4- فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره41، شماره1، بهار 1390. «علی خالقی، رویکرد قضایی سازمان ملل متحد در مبارزه با نسل کشی»
- 5- فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال هجدهم، شماره 52، پاییز 1395. «حسین شریفی طراز کوهی و ساسان مدرس سبزواری، کاربرد تسلیحات شیمیایی در جنگ ایران و عراق از منظر حقوق بین الملل کیفری»
- 6- فصلنامه مجله فقه اهل بیت (ع)، مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی، قم، 1386.
- 7- غلام حیدر علامه، جانبیان علیه بشریت در افغانستان و کابوس محاکمه بین المللی، دیدگاه های حقوقی، شماره 21، 1380.

- 8- ابراهیم بیگ زاده، تحقیقات حقوقی، زمستان 1376 تا تابستان 1377، شماره های 21 و 22.
- 9- فصلنامه علمی- حقوقی قانون یار، دوره اول، بهار 1396. «فاطمه عبدی، بررسی نسل کشی در عرصه بین الملل»
- 10- فصلنامه علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره 55، پاییز 90. «مهدی رجایی باغ سیاسی، جنایت نسل کشی در بحرین و راهکارهای حقوقی مقابله با آن»

فهرست منابع انگلیسی

- 1- Criminal Code of Socialist Federal Republic of Yugoslavia.
- 2- Romanian socialist Republic Penal Code, 1976 special part 6 Offenses against peace.
- 3-Rome Statute of the International criminal court adopted by united nations diplomatic conference.
- 4- United Nations General Assembly Resolution, 96 December 11, 1946 The Crime of Genocide.
- 5-United Nations Human Rights Commission Sub Commission on Prevention of Discrimination and Protection of Minorities.

References

The Holy Quran*

Nahj al-Balagha**

- 1- Ebrahimi, Alireza, International Criminal Law, Qom: Ayin Ahmad, second edition, 1402.
- 2- Ardebili, Mohammad Ali, International Criminal Law, Tehran: Mizan, 4th edition, 2016.
- 3- Ardabili, Mohammad Ali, General Criminal Law, Volume 1, Tehran: Mizan, 33rd edition, 2013.
- 4- Eskandari, Mohammad Hossein, The rule of reciprocity in international law from the perspective of Islam, Qom: Islamic Propaganda Office, 1379.
- 5- Bahrami Ahmadi, Hamid, Rules of Jurisprudence, Volume 1, Imam Sadiq University (AS), first edition, 1388.
- 6- Hosseininejad, Hossein Ali, International Criminal Law, Tehran: Mizan, 3rd edition, 2013.
- 7- Heydar Allameh, Gholam, Crimes against Humanity, Tehran: Mizan Publishing House, first edition, no.
- 8- Khamishi, Seyyed Mehdi, jurisprudential and legal review of the principle of legality of crimes and punishments, Tehran: Sepehr, first edition, 1385.

- .Dehkhoda, Ali Akbar, Dehkhoda dictionary -9
- Shariat Bagheri, Mohammad Javad, International Criminal Law, Tehran: -10
.Jangal, 10th edition, 1388
- Sheikh Sadouq, Man La Yahzara Al-Faqih, translated by Mohammad -11
.Javad Ghafari, Sadouq Publishing, 1377
- Aliabadi, Abdul Hossein, Criminal Law, Volume 1, Tehran: Ferdous, 3rd -12
.edition, 1373
- Fayouzi, Reza, International Criminal Law, Tehran: University Press, first -13
.edition, 1386
- Qiblai Khoei, Khalil, Rules of Jurisprudence 1 (Criminal Section), Tehran: -14
.Semit, 4th edition, winter 2008
- Kriang Sak Kiti Shiayzari, International Criminal Law, translated by -15
Behnam Yousefian and Mohammad Esmaili, Tehran: Samit, first edition,
.winter 2013
- Garji, Abolqasem, legal articles, Vol. 1, Tehran: Tehran University Press, -16
.4th edition, 1385
- Goldouzian, Hossein, General Criminal Law, Tehran: Khorsandi -17
.Publications, 4th edition, 2016
- Goldouzian, Iraj, Basics of General Criminal Law, Tehran: Mizan -18
.Publishing House, 13th edition, 2015
- Mashab, Mohin Dekht, Kshetar Jami, Tehran: Ganj Danesh, first edition, -19
.1386
- Mohseni, Dr. Morteza, General Criminal Law Course (General Criminal -20
.Law), Volume 1, Tehran: Ganj Danesh, fifth edition, 2016
- Makarem Shirazi, Nasser, Tafsir al-Nashon, Vol. 2, 4, 21, Tehran: Darul -21
.Kitab al-Islamiya, first edition, 1374
- Mousavi Hamdani, Seyyed Mohammad Baqir, translation of Tafsir al- -22
.Mizan, vol. 2, Qom: Islamic, fifth edition, 1374
- Mir Mohammad Sadeghi, Hossein, International Criminal Law, Tehran: -23
.Mizan, 3rd edition, 1390
- Nasserzadeh, Babak, International Criminal Court, Tehran: Behnami, -24
.first edition, 2018

Vahedi, Godrat Elah, International Criminal Law, Tehran: Jangal, first -25
.edition, 2009

List of Arabic sources

Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram, Lasan al-Arab, volume 12, -1
.Beirut: Dar Sadir, third edition, 1414 AH

Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram, Lasan al-Arab, volume 11, -2
.Lebanon: Dar Sadir, third edition, 1414 AH

Har Amili, Muhammad Ibn Hasan, Vasal al-Shia, vol. 15, 28, Qom: Al-Al- -3
.Bayt Institute, first edition, 1409 AH

Hali, Muhammad Ibn Mansour Ibn Idris, Al-Saraer, Volume 3, Qom: -4
.Islamic Publications Office, second edition, 1410 AH

The First Martyr, Muhammad Ibn Makki, Al-Lama Al-Damashqiyah, -5
.Beirut, Dar al-Tarath, first edition, 1410 AH

Shahid Thani, Zain al-Din, al-Rawzah al-Bahieh, vol. 9, Qom: Davari, first -6
.edition, 1410 AH

Tabatabai, Seyyed Ali, Riaz al-Masail, vol. 13, Qom: Islamic Publishing -7
.House, first edition, 1422

Tabatabai, Seyyed Ali, Riaz al-Masail, vol. 8 and 16, Qom: Al-Al-Bait -8
.Institute, first edition, 1418

Tabatabai, Muhammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, vol. 5, 7, -9
.13, Qom: Islamic, fifth edition, 1417

Tabarsi, Fazl Ibn Hasan, Majma Al Bayan, vol. 2, Tehran: Nasser -10
.Khosrow, third edition, 1372

Tarihi, Fakhruddin, Majma Al-Baharin, Vol. 6, Tehran: Mortazavi -11
.Bookstore, third edition, 1416

Tousi, Muhammad Ibn Hasan, al-Iqtida al-Hadi, Qom: Khayyam, second -12
.edition, 1400

Ameli, Muhammad Ibn Ali, Nahayah al-Maram, Vol. 1, Qom: Jamia -13
.Modaresin Islamic Publishing House, 1413 AH

- Ameli, Jamal al-Din, Ma'al al-Din, Volume 1, Qom: Fiqh Institute for -14
 .Printing and Publishing, first edition, 1418 AH
- Allameh Hali, Hasan Ibn Yusuf, Mantehi al-Matlib, vol. 2, Mashhad: -15
 .Majma al-Pakhu al-Islamiyya, first edition, 1412
- Fakhr Razi, Mufatih al-Ghaib, vol. 20, Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi, -16
 .third edition, 1420 AH
- Kilini, Muhammad Ibn Yaqub, Al-Kafi, vol. 5 and 7, Tehran: Dar al-Kitab -17
 .al-Islamiyya, 4th edition, 1407 AH
- Mohammadi, Seyyed Kazem and Mohammad Dashti, Al-Mujajm al- -18
 .Mufahrs lalfaz Nahj al-Balagha, Qom: Imam Ali (a.s.), second edition, 1369
- Makarem Shirazi, Nasser, Al-Athmhl fi Tafsir Kitab Allah al-Manzil, vol. -19
 .4, Qom: Imam Amirul Momineen School Publications, first edition, 1421
- Najafi, Mohammad Hassan, Javaher Al Kalam, vol. 21, 41, 42, Tehran: -20
 .Dar al-Katab, 7th edition, 1363

List of journals and articles

- Islamic Government Quarterly (Secretariat of the Assembly of Leadership -1
 Experts), year 22, number 4, winter 2016. "Ahmed Ehsanifar, jurisprudential
 analysis of the leadership's fatwa regarding the sanctity of using nuclear
 "weapons in the light of citizenship theory
- Quarterly Scientific Research Journal of Comparative Islamic and -2
 Western Laws, Qom University, Faculty of Law, 2nd year, 4th issue, winter
 2014. "Abolfath Khaleghi and Nematullah Nabavi, the use of
 unconventional weapons from the perspective of international criminal law
 "and Islam
- Law Research Quarterly, 13th year, number 33, summer 1390. "Dr. -3
 Hamid Reza Javidzadeh, United Nations preventive policies against
 "genocide
- Law Quarterly, Journal of Faculty of Law and Political Sciences, Volume -4
 41, Number 1, Spring 2018. "Ali Khaleghi, United Nations Judicial Approach
 "in Combating Genocide
- Public Law Research Quarterly, Allameh Tabatabai University, Faculty of -5
 Law and Political Sciences, Year 18, Number 52, Autumn 2015. "Hossein

Sharifi Tarz Kohi and Sasan Modares Sabzevari, The Use of Chemical Weapons in the Iran-Iraq War from the Perspective of International « Criminal Law

The Quarterly Journal of Fiqh Ahl al-Bayt (PBUH), Institute of Islamic -6
.Jurisprudence Encyclopaedia, Qom, 2016

Gholam Haider Allameh, Janyans against humanity in Afghanistan and -7
.the nightmare of international trial, Legal Perspectives, No. 21, 2018

Ebrahim Beyzadeh, legal research, winter 1376 to summer 1377, -8
.numbers 21 and 22

Qonun Yar Scientific-Legal Quarterly, first period, spring 2016. "Fateme -9
,Abdi

Reflecting on the crime of genocide in the light of Israel's actions in Gaza

Abstract

Genocide is an international crime. Everyone admits the need to deal with this crime legally, and every country has a law to prohibit and punish this crime. The subject of this research is to examine the verdict of genocide in international criminal law. The research issue is whether Israel can commit the crime of genocide under the pretext of legitimate defense after the Al-Aqsa storm. In the investigation carried out on the verdict of genocide, it was found that genocide is an inhuman act that is condemned by both reason and Sharia. The crime of genocide is an international crime and the actions of the usurping Israeli regime in

Gaza have no basis in international law. The international criminal law has not been compatible and it is necessary for the ICC prosecutor to take preventive measures and issue the necessary orders to prevent .these heinous human murders

Key words: genocide, international criminal law, Gaza, Israel